

جایگاه و کارکرد مدرسه بیهقیه در نظام آموزشی دوران اسلامی^۱

الهام فلاح پور^۲، محمد سپهری^۳

(دریافت مقاله: ۹۷/۰۶/۰۱، پذیرش نهایی: ۹۷/۱۲/۰۴)

چکیده

عصر سامانیان از جهت تحولات مهم علمی و فرهنگی در تاریخ ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و به عصر شکوفایی خراسان بزرگ شهرت یافته است. شماری از بزرگترین چهره‌های علمی و فرهنگی ایران و اسلام همچون ابن سینا، بیرونی، محمد بن زکریای رازی در دامان این خاندان و یا بعدها در کانون‌های متأثر از آنها ظاهر شدند. با حمایت امیران و وزیران سامانی، در شهرهای بزرگ خراسان مانند بخارا و نیشابور برای نخستین بار نهادهای آموزشی مستقلی به نام مدرسه به وجود آمد. یکی از این مدارس نخستین، مدرسه بیهقیه در نیشابور است. ابوالحسن محمد بن شعیب بن ابراهیم بیهقی نیشابوری (متوفای ۳۲۴) بنیانگذار مدرسه از پیشوایان مذهب شافعی بود که مدرسه خود را برای تعلیم و تربیت فقیهان شافعی تأسیس کرد. این مدرسه مهم قرون چهارم و پنجم هجری که پیش از نظامیه تأسیس شد، محل تدریس و تحصیل و وعظ و سکونت استادان، دانشجویان و طالبان علم پرشمار و نیز محل آمد و شد صوفیان بود. این پژوهش تلاش دارد روند فعالیت مدرسه بیهقیه، نقش و تاثیرگذاری آن در پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت را مورد دقت نظر قرار دهد.

کلید واژه‌ها: ایران اسلامی، نیشابور، تمدن اسلامی، نهادهای آموزشی، مدرسه بیهقیه

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "تحولات آموزش و نهادهای آموزشی ایران دوره‌ی سامانی (۲۷۹-۳۸۹ ق)" است.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛

Email: elham.f.77@gmail.com

۳. استاد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (عهده‌دار مکاتبات)؛

Email: sepehran55@gmail.com

مقدمه

در جهان اسلامی مدرسه به مثابه نهاد مستقل آموزشی به صورت سازمان یافته و منظم در زمان سامانیان پا گرفته است. گزارش‌های چندی از وجود مدارس در شهرهای قلمرو سامانیان حکایت دارد. عمده منابع تاریخی، شهر نیشابور را که در قرن چهارم بزرگ‌ترین شهر خراسان بود، مهد نخستین مدارس دانسته‌اند. شهرهای دیگری مثل بلخ، بیهق، بخارا و هرات نیز از مراکز علمی این دوره محسوب می‌شوند. وجود مهم‌ترین مراکز علمی در این دوره در ایران به ویژه بخش شرقی کشور نشانه توجه مردم این مرز و بوم به علوم و احترام آنان به عالمان و طالبان علم و پیشینه غنی فرهنگ و تمدن آنهاست.

اساس تحصیلات در ایران بعد از اسلام تا دیر زمانی با علوم دینی توأم بود و مباحث فلسفی و ادبی و اجتماعی همراه با مباحث دینی تدریس می‌شد. برای تحصیلات دو نوع آموزشگاه وجود داشت: یکی مکتب که مخصوص فراگرفتن تحصیلات دوره مقدماتی بود و دو دیگر مدرسه که ویژه دوره‌های عالی آموزش بود. در مکاتب خواندن و نوشتن، قرآن و واجبات دین و سیاق فراگرفته می‌شد و در مدارس تفسیر و حدیث و فقه و علم کلام و علم رجال و انساب و اخلاق و علوم ادبی و عربی می‌آموختند. این مکاتب و مدارس توسط روحانیان و علماء و اصحاب دین اداره می‌شد و بانیان و کمک‌کنندگان به این مؤسسات نیز نیتشان اشاعه و ترویج و تقویت مذهب و امور مربوط به دین بوده است (نک: سامی، ۳۵).

پس از ورود و استقرار اسلام و نفوذ زبان و معارف عربی و تغییر در مبانی ارزشی آموزشی در ایران شاهد تکوین بیت‌الحکمه‌ها و دارالعلم‌ها در اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری هستیم. زمینه‌های پیدایش مدارس در سده‌های نخستین اسلامی به وجود آمد، ولی در کتاب‌های تاریخی، ایجاد فضایی جداگانه تحت عنوان مدرسه، برای تمرکز نسبی درس و بحث معارف اسلامی از پدیده‌های سده چهارم نقل شده است. از میان شهرها نیشابور در تأسیس مدرسه سبقت تاریخی دارد و بر اساس شواهد تاریخی، در این شهر از دانشمندان بزرگ دیگر سرزمین‌های اسلامی برای تدریس دعوت به عمل می‌آمد. مدرسه بیهقیه از کهن‌ترین مدارس است که در نیشابور تأسیس شده است. این مدرسه از نخستین نهادهای آموزشی پیش از مدارس نظامیه و قبل از ولادت خواجه نظام الملک طوسی (۴۰۸-۴۸۵) است که به دست ابوالحسن محمد بن شعیب بن ابراهیم بیهقی نیشابوری (متوفای ۳۲۴) فقیه، مفتی، مناظر و مدرس شافعی در کوی سیار نیشابور پایه‌گذاری شد.

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، مقاله یا پژوهش مستقلی وجود ندارد، اما در آثار برخی از محققان اشاراتی در خصوص برخی از موارد مرتبط با موضوع شده است. از جمله محمدرضا ناجی در کتاب تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان به مدرسه بیهقیه می‌پردازد (نک: ناجی، ۳۳۶-۳۳۸). یوسف ملکی در کتاب شکوفایی علوم در دوره حکومت سامانیان، علوم تدریس شده در مدرسه بیهقیه را مورد بررسی قرار داده است (نک: ملکی، ۱۲۲). ناجی معروف پژوهشگر عراقی در مقاله «مدارس قبل النظامیه» (نک: ناجی معروف، ۱۳۲) و فاطمه کوشازاده در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه آموزش و فضاهای آموزشی در عصر شکوفایی خراسان بزرگ (دوره سامانی) با تأکید بر نیشابور» (نک: کوشازاده، ۵۰) به مدرسه بیهقیه اشاره کرده‌اند. در عین حال تحقیق مستقلی با این رویکرد انجام نشده است.

نظامیه نیشابور و مدرسه بیهقیه

سابقه تأسیس مدرسه در بلاد خراسان به نیمه اول قرن چهارم باز می‌گردد (قشیری، مقدمه، ۱۸). مدرسه بیهقیه نیشابور در قرن چهارم هجری و البته پیشتر از نظامیه تأسیس شد. این مدرسه مهم محل تدریس، تحصیل، وعظ و اسکان استادان، دانشجویان و طالبان علم بی‌شمار و نیز محل تردد صوفیان بود. هرچند برخی از منابع، نظامیه‌ها را اولین مدارس در جهان اسلامی دانسته‌اند، از جمله ذهبی صاحب کتاب تاریخ الاسلام، نظام الملک را نخستین بانی مدارس می‌داند (نک: ذهبی، ۲۴۶). این سخن، مقرون به صواب نیست، زیرا چنان که در سطور پیش رو خواهد آمد- پیش از تولد نظام الملک در سال ۴۰۸ هجری مدرسه بیهقیه فعالیت علمی آموزشی داشت. در عین حال نظام الملک نخستین کسی است که برای طلاب راتبه مقرر کرد. پیش از آن طالبان علم راتبه‌ای دریافت نمی‌کردند (سبکی، ۱۳۶). تنها امری که در مدارس پیش از نظامیه معمول نبود تعیین راتبه و نفقه برای طالبان علم بود. نمی‌توان به این دلیل که سازمان مدارس نظامیه کامل‌تر بوده و امکانات بیشتری داشته است مدارس قبلی را از زمره مدارس خارج ساخت و بنیاد آموزشی خواجه را نخستین مدرسه در جهان اسلامی قلمداد کرد.

براساس گزارش مقدسی (۴۸۰/۲) احمد مؤذن نیشابوری در سال ۴۷۰ در نیشابور متولد شد و دو سال بدون دریافت مزد بر مناره مدرسه بیهقیه اذان می‌گفت. هم چنین سمعانی (الانساب، ۶۵۸/۵) گزارش می‌دهد که این مدرسه را

امام جمال الاسلام حسین بن محمد بن حسن الفوران (متوفای ۵۱۹) یک بار تعمیر کرد و در همین مدرسه هم مدفون شد. بنابراین مدرسه بیهقیه حتی با تأسیس نظامیه نیشابور و دیگر نظامیه‌ها به فعالیت خود ادامه می‌داد. در پی حمله مغولان در اوایل قرن هفتم قمری بود که اثری از بیهقیه برجای نماند.

بنیانگذاری مدرسه بیهقیه

مهم‌ترین شهری که در قرن چهارم مرکز بزرگ علمی ایران و دارای مدارسی بود، شهر نیشابور است (ابن فندق، ۱۵۸). در نیمه اول قرن چهارم در نیشابور چند مدرسه مشهور وجود داشت که یکی از آنها مدرسه بیهقیه است. این مدرسه به دستور امام ابوالحسن محمد بن شعیب بیهقی (متوفای ۳۲۴) مفتی شافعیان - که بعدها در آن به تدریس پرداخت - ساخته شد (همان، ۱۵۸ و ۲۵۶).

ابهاماتی در مورد مؤسس این مدرسه و زمان تأسیس آن وجود دارد، چرا که در مورد متولیان این مدرسه با دو کنیه ابوالحسن مواجهیم: یکی ابوالحسن محمد بن شعیب بیهقی که فقیه برجسته شافعی بود و در سال ۳۲۴ هجری درگذشت و دیگری ابوالحسن علی بن الحسین بیهقی که او هم شافعی بود و در سال ۴۱۴ هجری فوت کرد (فارسی، ۱۳۰). علاوه بر این، آنچه براین آشفتگی و ابهام افزوده، وجود یک مدرسه جداگانه در کوی سیار در بیهق بوده که با این مدرسه کوی سیار نیشابور ارتباطی ندارد. گزارشها نشان می‌دهد که مؤسس مدرسه بیهقیه نیشابور، ابوالحسن محمد بیهقی است که در سال ۳۲۴ هجری فوت کرده است. ابوالحسن بیهقی معروف به ابن فندق (نک: ص ۱۰۴) تصریح می‌کند که سابقه این مدرسه به قبل برمی‌گردد و امام ابوالحسن محمد بن شعیب بیهقی متوفای ۳۲۴ هجری که از مفتیان شافعی بود، این مدرسه را بنا کرد و امام ابوالحسن علی بن حسین بیهقی مدتی در این مدرسه به تدریس اشتغال داشت.

به گفته تاج‌الدین سبکی مدرسه بیهقیه پیش از آن که نظام‌الملک طوسی در سال ۴۰۸ هجری به دنیا آید، تأسیس شده است. مؤسس این مدرسه علی بن حسین بن علی بن شیخ موفق بیهقی، مردی نویسنده، ادیب و از اصحاب خوش‌نام شافعی بود (سبکی، ۱۶۹/۳-۱۷۵). بیهقی بانی این مدرسه در روزگار سامانیان می‌زیست و از نزدیکان ابوالفضل بلعمی وزیر (متوفای ۳۲۹) و از پیشوایان مذهب شافعی بود. وی این مدرسه را برای پرورش فقیهان شافعی تأسیس کرد (قشیری، ۱۸).

بررسی‌ها نشان می‌دهد مدرسه بیهقیه به احتمال زیاد پیش از سال ۳۲۰ هجری تأسیس شده و به دلایل نامعلومی در عصر محمود غزنوی (۳۸۷-۴۲۱) از فعالیت بازمانده تا این که بیهقی دیگری به نام ابوالحسن علی بن حسین (متوفای ۴۱۴) آن را نوسازی کرد و از دارایی شخصی مسکن و هزینه زندگی و ابزار رایگان تحصیل در اختیار استادان و دانشجویان این مدرسه قرار داد. این مدرسه در عصر مورد نظر فعالیت گسترده‌ای داشته است (نک: ابن رجب، ۱۶۹/۳).

بر پایه این روایات و گزارشهای تاریخی، احتمال تأسیس مدرسه بیهقیه توسط ابوالحسن محمد بن شعیب بیهقی به واقعیت نزدیک تر و قابل قبول تر است. گزارش همشهری او، ابن فندق نشان می‌دهد که مدرسه بیهقیه در کوی سیار (سکه) نیشابور پایه‌گذاری شد (بیهقی، ۲۷۴).

نظام اداری و ساختار آموزشی مدرسه بیهقیه

کار آموزش علوم اسلامی در دوره سامانیان حداقل در محیط‌های بسته مانند مدارس طبق مقررات خاص بوده است. برای مثال ابوالحسن علی بن حسین علی بیهقی مؤسس و مدرس مدرسه کوی سیار نیشابور، اوقات تحصیل دانشجویان مدرسه خود را به سه قسمت: تدریس، املاي حدیث و وعظ و ارشاد تقسیم کرده بود (بیهقی، ۱۷۲). در این مدرسه همه رشته‌های علوم مورد توجه قرار داشت (یاقوت، ۲۴۳/۲). تدریس را دو گروه مدرسان و معیدان بر عهده داشتند. معید، تکرار کننده درس بود و مشکلات شاگردان را برطرف می‌کرد (سامی، ۳۸). استادانی که برای تدریس انتخاب می‌شدند حتماً باید از سطح علمی قابل قبولی برخوردار می‌بودند. چنان که در شرح حال بسیاری از مدرسان مدرسه بیهقیه به این موضوع بر می‌خوریم. برابر گزارش سمعانی (۵۵-۶۹) تدریس در این مدرسه با تشریفات خاصی همراه بود.

کتابخانه مدرسه بیهقیه

روزگار سامانیان از جهت تأسیس کتابخانه و نیز تأسیس مؤسسات علمی برجسته بود. کتابخانه‌های پادشاهان و امرای سامانی به سبب اشتغال بر کتب یونانی (ابن ابی اصیبعه، ۴۳۹/۱) فرصت مغتنمی را برای متکلمان و فلاسفه در دسترسی و مطالعه‌ی کتب فراهم کرده بود. به تبع کتابخانه‌های سلاطین سامانی، کتابخانه‌های خصوصی و

عمومی دیگر به وجود آمد. مدرسه بیهقیه از مشهورترین مدارس دارای کتابخانه در قلمرو سامانیان است (ابن فندق، ۱۰۲).

این کتابخانه که پس از ساخت مدرسه بیهقیه ساخته و به آن ضمیمه شد، یکی از مراکز مناظره و مباحثه بین عالمان و طلاب بوده است. چینش کتابها از نظم خاصی برخوردار بود: کتابهای مربوط به هر موضوع را در یک غرفه یا سالن یا در یک قفسه یا صندوقچه قرار می دادند. البته این شیوه در برخی کتابخانه‌های اصفهان، نیشابور، بغداد و مصر با اندکی تفاوت رواج داشت (ابن الندیم، ۱۰۲).

کتابخانه‌های خراسان و ماوراءالنهر، سمرقند و نیشابور در دوره ی سامانی نقش و کارکردی فراتر از نمونه‌های امروز داشتند؛ به طور مثال حضور عالمان و دانشمندان و برگزاری جلسات مناظره و مباحثه برای طالبان علم و دانش می‌تواند تأکیدی بر نقش آموزشی این کتابخانه‌ها باشد. این نهادها با فراهم کردن ابزار پژوهش و زمینه سازی مطالعات عمومی به رشد فرهنگی و علمی جامعه اسلامی کمک می‌کردند. کتابخانه‌ها ابزاری برای تبلیغ و تعلیم عقاید مذهبی بودند. معمولاً کتاب‌های هر کتابخانه مختص به فرقه‌ای خاص بود و عقاید آن فرقه را تبلیغ می‌کرد (عش، ۷۸). هرچند از مشخصات و نظام اداری مدرسه بیهقیه، گزارش روشنی در منابع نیامده، اما الگوی مناسبی برای مدارس بعدی شد. تجارت کتاب نیز عاملی در گسترش مجموعه کتابخانه‌ها بود. بسیاری از عالمان و بزرگان جهان اسلام به شغل تجارت کتاب اشتغال داشتند. تاجران، کتابها را از سرزمینی به سرزمین دیگر انتقال می‌دادند و با راه یافتن این کتابها به کتابخانه‌ها مجموعه آنها گسترش می‌یافت، ابن الندیم و رآق، صاحب الفهرست را می‌توان از جمله این تاجران به شمار آورد (ابن الندیم، ۱۳۴۶، ۵۶). کار نسخه برداری از روی کتاب که حکم تکثیر کتاب را داشت در دوره سامانیان بسیار رایج بوده و به افزایش موجودی کتابخانه‌ها منجر شد. بسیاری از عالمان و دانشمندان اسلامی برای نسخه برداری از کتابخانه شخصی خود فردی را استخدام می‌کردند. به گفته سبکی، در خانه ابونصر محمد بن مسعود عیاشی جمعی به استنساخ، برخی به مقابله و گروهی به قرائت یا تعلیق اشتغال داشتند (سبکی، ۱۱۳). اهدای کتاب توسط دانشمندان و علماء به امیران، وزیران و علمای دیگر که کتابخانه داشتند نیز از راه‌های افزایش موجودی منابع کتابخانه بود. در این دوره گزارشی از مصادره کتاب یافت نشد، اما در پی انقراض سامانیان بخشی از میراث مکتوب به غزنه، تختگاه غزنویان منتقل شد (یاقوت،

۲۴۲۸/۶). شاید بتوان مصادره کتابها به هنگام تسلط حاکمان و امیران بر یک شهر را از دلایل توسعه کتابخانه ها دانست.

شیوه‌های آموزشی

روشها و شیوه‌های چندی در تدریس استادان و آموزگاران در تاریخ تمدن اسلامی گزارش شده است. در برخی مدارس و مساجد همه این روشها و در برخی دیگر، شماری از این شیوه‌ها رایج بوده است. چنان که ممکن بود یک استاد یا حتی در یک مدرسه همزمان بیش از یک شیوه در دستور کار قرار می‌گرفت و انجام می‌شد. گزارش روشن و دقیقی نداریم که کدامیک از آنها در مدرسه بیهقیه معمول بوده است. این شیوه‌های آموزش از این قرار بود:

۱. حلقه درس از شیوه‌هایی بود که استاد در پای یکی از ستونها رو به قبله می‌نشست و به یک پشتی یا به دیوار یا ستون تکیه می‌داد و دانشجویان به شکل دایره بر دور او حلقه می‌زدند. جلسات معمولاً در صحن تشکیل می‌شد. برخی از ستون‌ها به عالم معینی اختصاص می‌یافت که در طول زندگی آموزشی خود در پای آن می‌نشست و تدریس می‌کرد (یاقوت، ۲۵۶/۱). ابن خلکان جایی را که استاد می‌نشست و تدریس می‌کرد، سده می‌نامد (ابن خلکان، ۱/ ۵۸۸).

۲. سماع از رایج‌ترین شیوه‌های تدریس در آن دوره بود. خطیب بغدادی یکی از بهترین شیوه‌های تدریس را آن می‌دانست که استاد درس را بدون هیچ کتابی و از حفظ برای شاگردان کلاس ارائه دهد (خطیب بغدادی، ۲۷۴/۱۲).

۳. املا روشی بود که در پی نقل شفاهی یا سماع پیدا شد. شیخ مملی حدیث را بر شاگردان املا می‌کرد و آنان می‌نوشتند. در مجالسی که شمار طلاب زیاد بود، مستملی گفته شیخ را عیناً بر کاتبان حدیث تکرار می‌کرد. از این رو او را معید نیز می‌خواندند. مستملی گاه گفتار شیخ را برای کاتبان حدیث تفسیر می‌کرد (سمعانی، ادب الاملاء و الاستملاء، ۳۵۴).

۴. بحث و مناظره نیز از شیوه‌های معمول مجالس علمی بود. این مجالس معمولاً در حضور امرا، بزرگان و علما برگزار می‌شد و موضوع آن مسائل اختلافی فقه، کلام و ادب بود. سامانیان در شبهای جمعه ماه رمضان مجالس مناظره‌ای داشتند که در حضور امیر برگزار می‌شد. از گزارش مقدسی (۳۳۹) بر می‌آید که در نیشابور نیز بازار بحث و مناظره گرم بود و امیر و رییس شهر مشوق آن بودند.

استادان و شاگردان مدرسه بیهقیه

شماری استادان دانشمند و سرشناس در مدرسه بیهقیه مشغول تدریس و تربیت شاگردان بوده‌اند، چنان که گروهی از طالبان فاضل و عالمان بعدی در این مدرسه و نزد استادان برجسته آن کسب علم و دانش کرده‌اند. از جمله استادان فاضل این مدرسه که از آنها در کتابهای السیاق فارسی، منتخب السیاق صریفینی و طبقات الشافعیه سبکی یاد شده، می‌توان از افراد زیر یاد کرد:

ابوبکر تمیمی (۳۴۹-۴۳۰)، ابوصالح مؤذن (۳۸۸-۴۷۰)، ابوالفضائل فرزند ابوصالح مؤذن (متوفای ۴۷۴)، امام الحرمین جوینی (۴۱۹-۴۷۸)، ابوبکر ابیوردی (متوفای ۴۹۴)، ابوالقاسم انصاری (متوفای ۵۱۲) و ابوبکر پوشنگی (۴۶۳-۵۴۳).

امام الحرمین جوینی یکی از چهره‌های بزرگ و شاخص نیشابور و ایران در قرن پنجم هجری از مدرسان و شاگردان مشهور و نامبردار این مدرسه است. وی از معاریف متکلمین و دانشمندان اشعری است که اکابر فضلالی دیار در درسش حاضر می‌شدند و همه امور محراب و منبر و تدریس و خطابه و موعظه و مناظرات مذهبی و مذاکرات دینی در روزهای جمعه بر عهده وی بود و به پرسش‌های مشکل دهی‌ها و طبیعی مذهبان پاسخ متقن و متین می‌داد (ابن جوزی، ۱۸/۹-۱۹). مباحث علمی نزد او همانند اشعری است که در مورد موضوع مهمی بحث کرده است و مناظره او مثل مناظره معتزلی است که در زمینه آن رقیب خود را از آن به در کرده است (سبکی، ۱۶۶/۵). رفتار امام الحرمین نسبت به علمایی که در سر راه نیشابور وارد می‌شدند غالباً مؤدبانه و آمیخته با احترام بود. ابواسحق شیرازی استاد بزرگ نظامیه بغداد وقتی به عنوان فرستاده خلیفه المقتدی بالله، به خراسان آمد در بیرون نیشابور، امام الحرمین به پیشواز وی آمد، غاشیه مرکبش را بر دوش کشید و مثل یک چاکر پیشاپیش وی حرکت کرد (ابن اثیر، ۱۳۱/۸-۱۳۲). برجسته ترین دانش آموخته وی امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵) است که البته در نظامیه نیشابور نزد وی کسب دانش کرد و به مقام استادی آن رسید.

احمد بن عبدالملک بن احمد بن عبدالصمد الحافظ، شیخ زاهد و محدث و صوفی در طریقه ابوعلی دقاق در حجره مدرسه بیهقیه منزل داشت و موقوفات مدرسه را اداره می‌کرد و به محصلان مدرسه کاغذ، کتاب و غذا می‌داد و از ثروتمندان درم و دینار می‌گرفت و به فقرا انفاق می‌کرد (صریفینی، ۲۴۷). اسعد بن مسعود عتبی نیشابوری (متوفای ۴۰۴) از کتّاب غزنوی در این مدرسه ساکن بود و همین شخص در جامع

منیعی نیشابور مجلس املاء داشت (فارسی، ۱۳۳). از دیگر ساکنان مدرسه بیهقیه، امام ابوبکر احمد بن بشّار خرجردی، زاهد و عابد گوشه نشین بود. او در هرات نزد فقیه چاچی و در مرو نزد عبدالرحمن سرخسی فقه آموخت و در آن به استادی رسید و در مدرسه بیهقیه سکنی گزید و در سال ۵۴۳ درگذشت. گروه بسیاری از او نقل حدیث کرده‌اند، از جمله سمعانی صاحب الانساب دو نوبت در نیشابور از او سماع حدیث کرده است (همان، ۷۳). ابوبکر احمد بن محمد بن احمد اصفهانی (۴۳۰-۳۴۹) مَقْرئ، ادیب، فقیه و محدث زاهد اصفهانی در سال ۴۰۹ به نیشابور آمد و در مجالس نظر حضور یافت و به روایت حدیث پرداخت و سرانجام در مدرسه بیهقیه درگذشت (ناجی، ۳۳۸).

شیخ ابونصر منصور بن محمد هلالی باخزری، در کودکی به نیشابور آمد و تا هنگام وفات در همان شهر اقامت گزید. او فقیهی صالح و دیندار و خوش سیرت بود که در مدرسه بیهقیه نیشابور ساکن بود. از ابوبکر احمد بن علی بن خلف شیرازی و ابوالمظفر موسی بن عمران انصاری و ابوالقاسم عبدالرحمن بن احمد واحدی و ابوتراب عبدالباقی بن یوسف مراغی و دیگران سماع حدیث کرد. سمعانی صاحب الانساب و فرزندش از او حدیث شنیده‌اند و سرانجام در سال پانصد و چهل و اندی در نیشابور درگذشت (سبکی، ۲/ ۲۵۵؛ ذهبی، ۴۶۹/۱۸).

به روایت علی بن زید بیهقی در تاریخ بیهق، علی بن حسین بیهقی، استاد ابواسحق اسفراینی و ابومنصور عبدالقاهر بغدادی را در مدرسه خویش اسکان داده بود. بعدها نیز ابوالمعالی امام الحرمین جوینی (متوفای ۴۷۸) فقیه مبرز و اصولی شافعی، پس از مرگ پدر (۴۳۴ یا ۴۳۸) علم اصول را در این مدرسه نزد ابوالقاسم اسکاف اسفراینی (متوفای ۴۵۲) فراگرفت (سبکی، ۵/ ۱۶۹-۱۷۵).

یکی از استادان بنام و جامع الاطراف این مدرسه ابومنصور عبدالقاهر بغدادی (۳۴۰-۴۲۹) دانش آموخته مدرسه بیهقیه بود که نه تنها بسیاری از رشته‌های علمی را به صورت رایگان به دانشجویان آموزش می‌داد، از ثروت سرشار خود نیز به صورت وقف برای حمایت مالی از استادان و طلاب بیهقیه مایه می‌گذاشت (ابن خلکان، ۲۰۳). احمد بن عبدالملک معروف به احمد مؤذن نیشابوری (۳۸۸-۴۷۰) فقیه، حافظ، محدث، مسند، زاهد و صوفی در سال ۴۷۰ در نیشابور متولد شد و دو سال بدون دریافت مزد بر مناره مدرسه بیهقیه اذان می‌گفت و به امور خیریه و عام المنفعه از قبیل گرفتن صدقات از ثروتمندان و دادن آن به نیازمندان می‌پرداخت (مقدسی، ۲/ ۴۸۰).

ابوالحسن علی بن حسین بن علی بیهقی خسروجردی (متوفای ۴۱۴) کاتب، ادیب و فقیه شافعی و مربی و مصاحب ابوالعباس اسفراینی وزیر هم در این مدرسه تدریس کرده است (بیهقی، علی بن زید، ۲۷۹).

امام ابوبکر تمیمی اصفهانی (۳۴۵ - ۴۳۰) مقری، ادیب، فقیه، محدث، ثقه، کثیر السماع و صحیح الاصول از ساکنین این مدرسه محسوب بود و در همین مدرسه درگذشت. ابوالقاسم وراق بستی فقیه شافعی که فاضلی مستور، عقیف و ثقه بود و در بغداد و خراسان سماع حدیث می کرد و به جمع آوری و نگارش حدیث می پرداخت، نیز از ساکنین مدرسه بیهقی بوده است.

این مدرسه بزرگ با خصوصیات خانقاه و دویره هم پیوند داشت و محل سکونت و تردد برخی از صوفیان معروف بود. چنانکه صوفی بزرگی چون ابوالقاسم انصاری در این مدرسه مسئولیت داشت. در برخی متون، به نام دویره بیهقی هم از این مدرسه یاد شده است (صریفینی، ۵۲۲). به نظر برخی از محققان معاصر، ظاهراً دویره بیهقی که ابوالقاسم اسکاف امامت آن را بر عهده داشت، جایی نزدیک مدرسه بوده است (ناجی، ۳۳۸).

اوقاف مدرسه بیهقیه

وقف به منزله سنتی اصیل و دینی منبعی برای تأمین مخارج و مایحتاج طلاب بود و دولت و مردم نیکوکار و خیراندیش از هر کوششی در این راه فروگذار نمی کردند. مدرسه بیهقیه که مرجع و مسکن عالمان، دانشمندان و صوفیان بزرگ بود، دارای کتابخانه، اوقاف و متولی امور مالی و اوقاف و کتابدار بود. مدرسه از محل درآمدهای اوقاف اداره می شد. موقوفات متولی و ناظری داشت که بودجه های مدرسه توسط او هزینه می شد (سبکی، ۱۵۹/۴). از جمله موارد وقفی در مدرسه بیهقیه، لوازم التحریر طلاب حدیث، مانند دوات و کاغذ بود. تولیت این اوقاف و توزیع آن در میان طالبان و همچنین حفظ و مرمت دیگر اوقاف مدرسه در سده پنجم بر عهده ابوصالح مؤذن (متوفای ۴۰۷) بوده است. برخی بدرستی از این گزارش نتیجه گرفت ه اند که کتابها در مدرسه ای نگهداری می شده است که ضمیمه مسجد بوده نه در یک مدرسه مستقل (ساعاتی، ۸۱). کار ابوصالح در این مدرسه در درجه اول به منزله امانت داری کتابخانه بود و گمان می رود که بین این مدرسه و مسجد جامع نیشابور ارتباط وجود دارد و در نتیجه می توان گفت که کتابخانه مدرسه بیهقیه همان کتابخانه ای است که در آن مسجد واقع بود. برخی

عالمان همچون ابومنصور محمد بن عبدالله حمشادی (متوفای ۳۸۸) اوقافی اختصاصی در میان خاندان خود دست به دست می‌گرداندند (سبکی، ۱۸۰/۳). شماری از دانشیان بزرگ، مدیریت مدرسه و تولیت اوقاف و کتابخانه آن را برعهده داشتند. ابوصالح احمد بن عبدالملک بن علی مؤذن (۳۸۸-۴۷۰) محدث صوفی و از مشایخ عبدالغافر فارسی که از معتمدان بود. ابوبکر محمد بن مأمون بن علی ابیوردی (متوفای ۴۹۴) از دیگر متولیان این مدرسه بود (ناجی، ۳۳۸).

نتیجه

بنا بر آنچه گذشت مدارس در جهان اسلام نخست در سرزمینهای شرقی خلافت و در روزگار سامانیان پدید آمد بویژه در دوران امیراسماعیل بن احمد که دوستدار و طالب تأسیس مدارس بود و زمینها، دکانها و خانههای بسیاری وقف آنها کرد. مدارس در کنار کارکرد علمی خود سکونتگاه علماء و طلابی بود که از شهرهای دیگر می‌آمدند. گاه مجلس ترحیم مدرسان را هم در مدارس برگزار می‌کردند. دوستداری علم و میل به فراگیری دانش موجب شد که مدرسه‌ها و کتابخانه‌های فراوانی در خراسان پدید آید. بیشتر گزارشهای موجود از نهادهای آموزشی در دوره سامانیان نیز مربوط به نیشابور است. این امر نشان از حیات بارور علمی و سرزندگی و بالندگی خیره کننده فعالیت‌های آموزشی در این شهر دارد.

یکی از مدارس نخستین و پیشگام در حوزه آموزش و فعالیت‌های علمی، مدرسه بیهقیه نیشابور است که بیش از صد سال قبل از نظامیه‌ها تأسیس گردید و بسیاری از نویسندگان قدیم از آن به عنوان کهن‌ترین مدرسه در جهان اسلام یاد کرده‌اند. این مدرسه در نیشابور دارای کتابخانه با مجموعه‌ای تخصصی از کتابهای حدیث بود که از مشایخ به ارث یا وقف بر جای مانده بود و در حجره‌هایی نگهداری می‌شد. هزینه‌ها و نیز مخارج طالبان و استادان مدرسه از راه موقوفاتی تأمین می‌شد که ثروتمندان و اهل خیر وقف مدرسه کرده بودند. ابوالحسن محمد بیهقی فقیه و مدرس شافعی این مدرسه را در کوی سیار این شهر و برای نشر و گسترش فقه شافعی پایه گذاری کرد و مبالغ هنگفت از مال خود را برای اداره این مدرسه و کمک به دانشجویان شاغل به تحصیل در آن وقف کرد. در این مدرسه علوم گوناگون از جمله فقه، اصول، حدیث، کلام، اخلاق و غیره تدریس می‌شد. علاوه بر دانشجویان، برخی استادان نیز در این مدرسه سکونت

داشتند و برخی پس از وفات در آنجا مدفون شدند. در این مدرسه موقوفاتی برای رفع نیاز دانشجویان ساکن در آنجا مصرف می‌شد. از اسناد و مکتوبات تاریخی به دست می‌آید که این مدرسه دست کم تا یورش مغولان از رونق علمی و آموزشی برخوردار بوده و همچنان استادان و دانشیان شافعی به مباحثه و تربیت شاگرد مشغول بوده‌اند.

منابع

- ابن ابی اصیبعه، احمد بن القاسم بن خلیفه بن یونس، *عیون الابداء فی طبقات الاطباء*، به کوشش نزار رضا، بیروت: منشورات دار مکتبه الاحیاء، ۱۹۶۵م.
- ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه شهاب الدین مرعشی، تهران: اسلامیه، ۱۳۳۷ش.
- ابن الندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه رضا تجدد، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۶.
- ابن جوزی، *المنتظم فی التاریخ الملوک و الامم*، حیدرآباد دکن: مطبعه دائرةالمعارف، ۱۳۵۸ش.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الاعیان*، تحقیق: عباس احسان، الشریف الرضی، قم، ۱۳۶۴.
- ابن رجب، زین الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن شهاب الدین احمد بغدادی، *الذیل علی طبقات الحنابلہ*، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید (بیهقی)، *تاریخ بیهقی*، با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۸.
- بیهقی، ابوالفضل، *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض و قاسم غنی، چاپ سوم، تهران: انتشارات خواجه، ۱۳۶۲.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر، بیروت: دارالکتاب علمیه، ۱۴۱۷ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و طبقات المشاهیر و الاعلام*، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۹ق.
- ساعاتی، یحیی محمود، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی: کاوشی در میراث فرهنگ اسلام، مترجم احمد امیری شادمهری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۴.
- سامی، علی، ۱۳۵۲، «سیر دانش و فرهنگ ایران در ادوار مختلفه بعد از اسلام»، در *مجله هنر و مردم*، شماره ۱۲۶، صص ۳۵-۳۶.
- سبکی، ابونصر عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی، *طبقات الشافعیه*، به کوشش عبدالفتاح محمد الحلوه، الجیزه: هجر للطباعة و النشر و التوزیع و الاعلان، ۱۹۹۲م.
- سمعانی، عبدالکریم، *ادب الاملاء و الاستملاء*، به کوشش ماکس وایسویلر، بیروت، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
- همو، *الانساب*، القاهره: نشر مکتبه القدسی، ۱۳۵۷.
- صریفینی، ابراهیم بن محمد، *تاریخ نیشابور (المنتخب من السیاق)*، به کوشش کاظم محمودی، قم، ۱۳۶۲.

- عش، یوسف، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی (بین النهرین، سوریه و مصر)، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲.
- فارسی، عبدالغافر، تاریخ نیشابور (المنتخب من السیاق)، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه فی القم المقدسه، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، رساله قشیریه، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.
- کوشزاده، فاطمه، نودهی، حسن؛ بینش، مرتضی؛ ۱۳۹۳، «جایگاه آموزش و فضاهای آموزشی در عصر شکوفایی خراسان بزرگ (دوره‌ی سامانی) با تاکید بر نیشابور»، در مجله: خراسان بزرگ، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۵۰-۵۲.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
- ناجی معروف، ۱۳۹۲ق، «مدارس قبل النظامیه»، المجمع العلمی العراقی، المجلد الثانی و العشرون.
- ناجی، محمدرضا، تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، تهران: مجمع علمی تمدن، ۱۳۷۸.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر القباوی، تصحیح مدرس رضوی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.
- همایون فرخ، رکن الدین، «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران، کتابخانه‌های ایران در قرن اول اسلامی»، هنر و مردم، شماره ۵۰، ۱۳۴۵.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۳.

